

“... دلخوش به این مقدار نباشید، روحیات شما را عظمت میدیم، شما را به مقام انسانیت میرسانیم، اینها شما را منحط کردند.  
...”

- روح الله خمینی



محکوم ساختن یک انسان به اعدام، گذشته از جرمی که فرد محکوم مرتکب شده است، در نفس عمل یک جنایت و پلیدی است و در جهان امروز نبایستی نه قابل توجیه باشد و نه جایی داشته باشد. از آن روی، این هفته در روز ۷ دسامبر، کشورهای عضو اتحادیه اروپا با امضای "منشور بنیادی حقوق اتحادیه اروپا" (the European Union Charter of Fundamental Rights) تنها نه است ارزش بی انسان جان که کشورهایی در، شوربختانه دادند پایان اعدام حکم به رسماً، (the European Union) امیددی به پایان آن نیست، بلکه هر سالی که می گذرد شمار اعدام ها رو به افزایش است، که دو رژیم استبداد مذهبی در

ایران و رژیم کمونیستی در چین، رکورددار این جنایت می باشند. ولی، رژیم جمهوری اسلامی، این حرکت ضدانسانی و وحشیانه را گامی فراتر از چین برده است و آن اعدام ها در برابر چشمان مردم است، عاری از سن آنان.

این حرکت وحشیانه که از روز آغاز بقدرت رساندن رژیم اسلامی در ایران توسط کشورهای بیگانه بیدرتنگ به اجرا گذاشته شده است، در نخستین اعدام ها در ملاء عام، نه تنها بسیاری از مردم از حضور بهم رساندن در مکان های اعدام خودداری می ورزیدند، بلکه حتی آنانی که بدون آگاهی و اتفاقی به چنان مکان هایی که معمولاً در میدان های شهرها انجام می شد می رفتند، با دیدن انسان حلق آویز از جرثقیل، در چار شوک شده و بیهوشی می شدند. ولی امروز، رژیم چنان سنگدلی و عشق به خون را در جامعه ایرانی نهادینه ساخته است که نه تنها تماشای اعدام تبدیل به تفریحی برای مردم شده است، بلکه بسیاری فرزندان خردسال خود را نیز به تماشا می بردند. با تماشای عکس هایی که این کودکان گرفته شده است، چند تن از فشار روحی مست خنده و تنی دیگر شگفت زده، که نگاه کودکان پُر از پرسش های بی پاسخشان، هزاران غم و معنی در خود نهفته دارد.

در اینجاست که سخن - سکپ کوریل: آیند می در رقص به و زنده ذهن و چشم برابر در (Skip Coryell) "هیچ افتخاری برای گوسفند بودن نیست. آنها بر فراز تپه ای بح کنان به تماشای سلاخی هموعان خود می ایستند!" در نتیجه این عده که به تماشای اعدام ها می روند، نه گناهشان کمتر از جلادانست که این توحش را در جامعه اشاعه می دهند - و نه خردشان بیشتر از گوسفندانی است که بر فراز تپه به تماشای مرگ هموع خود می ایستند.

بهر روی، نفرین بر رژیمی باد که اخلاقیات و پایندهای انسانی، فرهنگ مهربانی و همدردی را در جامعه ایرانی کُشت و بجایش بی فرهنگی، توحش و سنگدلی را در جامعه نهادینه کرد، که امروز ایرانی، برای تفریح به تماشای جان دادن انسانی دیگر بر بالای طناب دار در ملاء عام می ایستد؛ - ننگ و شرم بر پدر و مادر یا بزرگسالانی باد، که غیرمسئولانه و بدون اندیشیدن، بجای آنکه به کودکان مهربانی و بخشش فرا دهند تا روحیه و روان لطیفشان با این دیدن وحشیگری ها زخمکین نشوند، اجازه می دهند تا شاهد جان گرفتن انسان دیگری باشند.

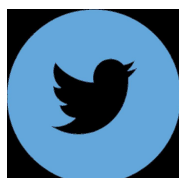
در هر روی، این اعدام ها در ایران اکثریت جنبه سیاسی داشته که رژیم تحت نام های گوناگون از جمله قاچاق مواد مخدر دست به چنین جنایت هایی می زند، ولی حتی اگر شخصی هم بالاترین جرم را مرتکب شود، مقصر سیستم کشور، نظام، دولت و جامعه است که یک شخص را بسوی حرکتی غیرقانونی سوق داده است، بویژه آنکه هیچ انسانی مجرم از مادر زاده نمی شود. البته، هیچ توجیهی بر ارتکاب جرم نیست، ولی در ایران که بایستی با همه منابع زیرزمینی و نیروی انسانی امروز سوئیس خاورمیانه باشد، مبدل به یک کشور جهان سومی شده است و در آن فقر و گرسنگی و فساد و فحشاء بیداد می کند؛ و رشوه برای بالاترین مقام یک اداره دولتی تا آبدارچی راه در آمدی شده است، از جامعه چگونه می توان انتظار داشت تا قانون شکنی نشود - بویژه آنکه جامعه به چشم خود می بیند که سران رژیم و وابستگانشان در حال غارت و چپاول کشورند، در نتیجه دارایی برای ملت ایران نمی ماند تا شکم خود را سیر کنند و بدین علت بسیاری برای سیر کردن شکم های فرزندانسان، وادار می شوند تا به هر بلا و جنایتی تن در دهند.

در هر روی، "آفریدگار است که جان میدهد و تنها اوست که حق باز پس گرفتنش را دارد." به امید لغو مجازات وحشیانه، قرون وسطایی و ضد خدایی حکم اعدام در ایران و سراسر جهان.

شاپور سورنپهلو

لندن - ۲۲ آذرماه ۱۳۷۹

December 12th, 2000



#419ab3

□